

چکیده: یکی از منابع مهم در معنانشناسی واژه‌های قرآن کریم، احادیث معصومین است که داناترین افراد به معانی قرآن کریم بوده‌اند، لذا احادیث تفسیری آنان برای ما جایگاه استواری دارد و در تفسیر قرآن یکی از منابع اصلی به شمار می‌رود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که، احادیث شریف در معنانشناسی واژه‌های قرآن می‌توانند نقش‌های مختلفی از جمله، عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، انتخاب یکی از دو معنای واژه، ایجاد معنای جدید برای واژه و تعیین مصداق برای واژه را ایفا کند. این مقاله از نوع تحقیقات بنیادین است که با روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: معنانشناسی حدیث معصومین؛ واژه قرآن کریم.

□

□

## مقدمه

اهل بیت: آگاه‌ترین افراد به تفسیر قرآن کریم بوده‌اند که مطابق روایات وارده، به همه معانی وحی نازل بر رسول خدا 6 و قرآن آگاهی داشتند. (کلینی، ج 1، ص 228-229) برای حجیت سخنان اهل بیت: در تفسیر قرآن، می‌توان به نصوصی استناد کرد، از جمله: آیه تطهیر (احزاب: 33) و آیات (ط عُوا الْمَلَّةَ وَ اط عُوا الْمَرْسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء: 59) (فَسَلُّوا أَوْلَ الْمَذَكَّرِ إِنْ كُنْتُمْ لَأَتَّعَلَ مُونَ) (نحل: 43؛ انبیاء: 7) حدیث متواتر ثقلین و احادیث قطعی دیگری مانند این سخن که رسول خدا 6

در روز غدیر، ضمن معرفی امام امیرالمؤمنین 7

فرمود: «ای گروه مردمان! در قرآن تدبّر کنید. آیات آن را نیک دریابید، به محکّمات آن بنگرید و از متشابه آن پیروی نکنید. به خدا سوگند، نواهی آن را برایتان روشن و تفسیر آن را برای شما آشکار نمی‌آید» 6، مگر آن کسی که من دستش را گرفته، به سوی خود بالا آورده‌ام. 6» (طبرسی، ج 1، ص 146؛ حرعاملی، ج 27، ص 193) دلایل عقلی فراوان نیز بر این حقیقت گواه است. در مقاله پیش رو منظور از حدیث، احادیث منقول از معصومین :

، یعنی رسول خدا 6

و اهل بیت آن حضرت است. البته روایات صحابه و تابعین نیز در درجه‌های بعدی قابل استفاده است. اما در این جا به دلیل اهمیت ویژه روایات معصومین :

بحث را محدود به روایات آن بزرگواران می‌کنیم. باید دانست علی‌رغم آثار در خور و شایسته‌ای که در معرفی و

## روش -شناسی تفسیر اهل بیت

انجام گرفته، آن گونه که شایسته منزلت و جایگاه آنان است، تفسیرشان کمتر روش -شناسی شده است.

پیامبر اکرم تفسیری روشی ابعاد از یکی □ □ 6 و اهل بیت: اهتمام به تفسیر واژه -های غریب و نامانوس است؛ به عبارتی دقیق -تر، واژه -های حساس و مهم و عموماً مورد اختلاف مفسران و یا واژه -هایی که دیگر مفسران در تفسیر آن دچار خطا شده -اند. احادیث شریف معصومان در معناشناسی واژه -های قرآن نقش -های مختلفی را می -توانند ایفا کنند. به نظر برخی از پژوهشگران، هیچ واژه -ای از قرآن کریم را نمی -توان یافت که مردم عصر نزول به معنای آن کاملاً جاهل بوده باشند و معنای آن در روایات پیامبر بیان و آشکار نشده باشد؛ از این رو برای روایات اهل بیت

در تفسیر واژه -های قرآنی باید در جستجوی نقش -ها و کارکردهای مهم -تر و حساس -تری برآمد و باید به کشف نکات دیگری در زمینه معنی -شناسی رفت. (طیب حسینی، ص 67) در این پژوهش برخی از مهم -ترین نقش -های احادیث معصومین

در معناشناسی واژه -های قرآن کریم که می -تواند مورد تأمل بیشتر و مطالعه دقیق -تر قرار گیرد، بررسی می -شود.

### 1. عبور از معنای ظاهری لفظ

خدا رسول مقدس قلب بر متعال خداوند از جانب که است الهی وحی کریم قرآن □ □ 6 نازل شده و با هدف هدایت بشر، معارف و المالی خود را، در قالب الفاظ مادی و محسوس و رایج در میان قوم عرب زمان نزول - جهت فهم آنان - بیان کرده است. بنابراین طبیعی است که بسیاری از کلمات و واژه -های قرآنی در همان معنای مادی و حسی و رایج میان مردم به کار نرفته باشد و به صورت مجاز در معنایی نزدیک و مرتبط با آن واژه به کار گرفته شوند. البته بسیاری از کاربردهای مجازی الفاظ در قرآن برای مفسران شناخته شده است؛ اما ممکن است، مفسران به دلیل ناآگاهی از معنای مجازی برخی الفاظ، و یا معنای مجازی مقصود در یک آیه مورد نظر، آن لفظ را به معنای شناخته شده و رایجش تفسیر کنند. بنابراین با مراجعه به حدیث معصومین

می -توان معنای مجازی و مقصود آن را کشف کرد و بدین وسیله می -توان ثابت کرد که معنای رایج آن واژه مورد نظر خداوند نبوده است. به چند نمونه توجه کنید.

1-1. واژه «عرش» در معنای لغوی خود به معنی تخت پادشاه (ابن فارس، ذیل ماده □ «عرش») یا به معنای شیء مسقف (راغب، ذیل ماده □ «عرش») است. در قرآن کریم نیز به این دو معنا آمده است. (یوسف:100؛ حج:45؛ نمل:42)، اما هیچ یک از این دو معنا متناسب با واژه «عرش» در آیه شریفه (وَكَأَنَّ عَرْشَهُ عَلَىٰ آلِ مَاءٍ) (هود:7) نیست. اکثر مفسران نتوانسته -اند معنای درستی از این واژه مناسب با سیاق این آیه شریفه به دست آورند. تفسیری که اغلب مفسران زمان تابعین از این واژه کرده -اند، نشان می -دهد که برداشت آن -ها از واژه «عرش» معنای حسی و رایج آن، یعنی تخت پادشاه، بوده است. (طبری، ج 12، ص 5-4؛ ابن کثیر، ج 4، ص 265-266؛ فخر رازی، ج 17، ص 319؛ بیضاوی، ج 3، ص 128؛ آلوسی، ج 6، ص 205) اما در روایتی از امام صادق 7 واژه «عرش» در این آیه به «علم» معنا شده است یعنی علم خداوند به این تعلق گرفت که همه چیز را از آب خلق کند. (عروسی حویزی، ج 2، ص 338؛ بحرانی، ج 1، ص 518)

1-2. صدوق در کتاب معانی الماخبار از حضرت صادق 7 آورده که در مورد معنای «ید» در آیه ( اِبْل س ما مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیْ دَیِّ ) (ص:75) فرمود: در کلام عرب، دست تنها به معنای جارحه یعنی عضوی از بدن انسان نیست، بلکه به معنای قوه و نعمت هم آمده است، چنانکه در قرآن هم به معنی قوه بکار رفته است. مانند ا ب ن آ ه که در باره قوت داود داوُد ذَا اِلْ اَیْدِ (ص:17) و در باره بنای آسمان می آ فرما د: (وَالْمَسَاءَ بَنَى نَاهَا بِاَیْدِ وَاِنْ اَلْمَوْسِ عَوْنِ) (ذاریات:47) آن گاه در معنای (وَأَیْ دَهُمْ بِرُوحِ مِّنْهُ) (مجادله:22) فرمود: معنی آنها را به روحی از خود تقویت نمود. و وقتی گفته می آ شود برای فلانی نزد من دبی است ب ضاء، مقصود این است که فلانی نعمت فراوانی به من داده و حق بزرگی بر من دارد. (شیخ صدوق، معانی الماخبار، صص 15-16)

## 2. تعیین معنای اصلی از واژه در قرآن

توجه با که، باشند داشته مجازی یا حقیقی از اعم متعددی معنای است ممکن کریم قرآن در رفته کار به های - واژه و به سیاق آیه نتوان آن راتشخیص داد. تعیین معنای مقصود از یک واژه در یک آیه از قرآن، گاهی چنان دشوار است که بدون راهنمایی و بیان امام معصوم، مفسر به خطا می افتد و به مراد واقعی آیه پی نمی برد. به چند نمونه توجه کنید:

1-2. واژه «المسائحون» در آیه (الْمَتَّئِبُونَ اِلْعَبَادُونَ الْمَحْمُودُونَ الْمَسْجُودُونَ الْمَسْأَلُونَ الْمَرَأَكِعُونَ الْمَاضِیْنَ) (توبه:112) از ماده «سیح» در فرهنگ عربی به معنای سیر و سیاحت در زمین است. «ساح فی المارض» یعنی به سیاحت و گردش در زمین پرداخت. (ابن فارس، ذیل ماده «سیح»: ابن منظور، ج 6، ذیل ماده «سیح») در قرآن نیز به همین معنا آمده است: (فَسِجْوَ فِی الْاَرْضِ) (توبه:2) اما این معنا با سیاق آیه مورد نظر سازگار نیست. یعنی هیچ رابطه عقلانی و معرفتی میان توبه و حمد و رکوع و سجود با سیر و سیاحت دیده نمی شود. لذا رسول خدا 6 آن واژه را به «روزه داران» معنا و تفسیر کرده اند. (زمخشری، ج 2، ص 314؛ طبرسی، ج 5، ص 113؛ عروسی حویزی، ج 2، ص 274-272؛ حاکم نیشابوری، ج 2، ص 335)

2-2. واژه «نعیم» در آیه (ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ اَنْ یَوْمَئِذٍ عَنِ الْمَنْعِ) (تکواثر:8) شخصی می پنداشت خدای متعال از غذای لذیذی که او نزد امام صادق 7 می خورد بازخواست خواهد شد. اما امام صادق 7 واژه «نعیم» را به نعمت محمد و آل محمد می کند و می فرمایند: خداوند بزرگ تر و کریم تر از آن است که طعام پاکیزه ای به شما بیخشد و از آن لذت ببرید، سپس در قیامت نسبت به آن، از شما بازخواست کند، اما شما نسبت به نعمت محمد و آل محمد بازخواست خواهید شد. (بحرانی، ج 5، ص 746؛ قمی، ج 2، ص 440؛ طبرسی، ج 10، ص 813)

امام شود گفته شاید و صرفاً مصداقی از مصادیق آن واژه را بیان کرده اند، ولی در واقع امام به نکته ای بسیار مهم ناظر به معنا و مفهوم آیه شریفه توجه داده اند که اغلب از دید لغت شناسان مغفول مانده است، و آن این که مقصود از «نعیم» نعمت های حقیقی و بزرگ و معنوی (غیرمادی) است، برخلاف نعمت که در معنای نعمت های مادی و این جهانی کاربرد دارد. (طیب حسینی، ص 70)

3-2. در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه (لَا أَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ) (مانده: 66) در معنای واژه‌های «فوق» و «تحت»، امام صادق 7 مخاطب آیه را قوم یهود و نصاری می‌داند. و آیه را چنین معنی می‌کند که از بالا به وسله باران و از پایین به وسله روش گاهان و مواد غذا می‌متمتع می‌شوند. (قمی، ج 1، ص 171)

بیت اهل تفسیری روایات میان در توان می‌را تفاسیر دست این از فراوانی های - نمونه : جستجو کرد.

### 3. انتخاب یک معنا از معانی واژه

است. واژه معنای چند یا دو از یکی انتخاب، کریم قرآن های - واژه معناشناسی در حدیث از کارکردهای دیگر یکی است. این نقش بیشتر مختص به مواردی است که یک واژه دارای چند معنا باشد و سیاق آیات نیز تحمل آن چند معنا را داراست. در چنین مواردی یکی از نقش های حدیث در حوزه معناشناسی واژگان، آن است که یکی از دو معنای واژه را بر دیگری ترجیح دهد. به چند نمونه توجه کنید.

3-1. درباره ریشه و معنای واژه «اسم» در آیه شریفه (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) دانشمندان و مفسران اختلاف نظر دارند. (راغب اصفهانی، ج 1، ص 871؛ قرشی، ج 7، ص 219؛ فراهیدی، ج 7، ص 318) نحویان بصره واژه «اسم» را مشتق از «سمو» به معنای عُلُو، و نحویان کوفه این واژه را مشتق از «وسم» به معنای علامت و نشانه می‌دانند. (زمخشری، ج 1، ص 5؛ اندلسی، ج 1، ص 27)

رضا امام 7 گوید می‌الله بسم (که کسی فرماید - می و ، کند - می تفسیر نشانه و علامت معنای به را «اسم» معنایش این است که خود را با یکی از نشانه های الهی - - «سَمَةٌ مِنْ سَمَاتِ اللَّهِ» یعنی عبادت (3 ص، صدوق). نشانه یعنی فرمودند چه؟ یعنی «سَمَس» پرسیدم. کند - می گذاری - نشانه

3-2. واژه «قُرُوء» جمع «قُرْء» در آیه شریفه است: (وَإِلْمُطَلِّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ) (بقره: 228) اهل لغت واژه «قُرْء» را در اصل به معنای جمع و اجتماع دانسته اند. (مصطفوی، ج 9، ص 218؛ راغب اصفهانی، ج 1، ص 668) اما در اطلاق این کلمه در مورد زن، معانی مختلفی نقل شده است. ابن فارس می‌گوید: وقت بر گاه که است وقت معنای به «قُرْء» و . کنند - می اطلاق وی بر زن پاک و هرط زمان در را «إِرَاءَةُ الْمَرْءِ الْقَرِّ» طهر زن و گاه بر وقت حیض زن اطلاق می‌شود. (ابن فارس، ذیل ماده «قُرْء») اما راغب اصفهانی می‌گوید: اکثر در «قُرْء» معنای در اختلاف این («قُرْء» ماده ذیل، اصفهانی راغب) شدن حیض یعنی «إِرَاءَةُ الْمَرْءِ الْقَرِّ» کتاب های لغت و تفاسیر دیده می‌شود. این دو معنا اثری فقهی در آیه شریفه دارد، لذا هر دو معنا با هم نمی‌توانند صحیح باشد. از این رو مفسران هر یک مطابق مذهب فقهی خود این واژه را تفسیر کرده اند، که هیچ یک قابل اطمینان و اعتماد بخش نمی‌توانند باشد. اما در روایات اهل بیت: همان معنای اصلی که ابن فارس ذکر کرده، تأیید شده و

ص 1، ج 1، زمخشری). است شده تفسیر زن پاک و طهر زمان همان یعنی حیض دو میان در خون شدن جمع به «رَعْق» □  
271؛ ابن عربی، ج 1، ص 183؛ قرطبی، ج 3، ص 113) ابوبصیر از امام صادق  
7

نقل می‌کند که حضرت فرمودند: عده زنی که حائض می‌شود و حیض او مرتب است، سه قرء می‌باشد و قرء،  
جمع شدن خون در فاصله میان دو حیض است. (کلینی، ج 6، ص 91؛ طوسی، ج 8، ص 117)

#### 4. ایجاد معنی جدید برای واژه

بیت اهل و پیامبر تفسیری احادیث‌های - نقش از دیگر یکی □ □ : در حوزه معناشناسی واژه -ها، ایجاد و توسعه در  
معنای واژه -هاست. گاه ممکن است واژه به کار رفته در قرآن، معنای شناخته شده -ای در فرهنگ و لغت عرب داشته  
باشد که در یک آیه نیز به همان معنا به کار رفته است، اما در حدیث برای آن، معنای دیگری مرتبط با معنای اصلی آن  
واژه بیان می‌شود. بدین ترتیب حدیث توسعه -ای در معنای آن واژه و در نتیجه توسعه -ای در معنای آیه ایجاد  
می‌کند. به چند نمونه توجه کنید:

4-1. واژه «انحَر» در آیه (فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَر) (کوثر: 2) فعل امر از «نَحَرَ» است و در لغت به سینه و  
نیز به گودی زیر گلوی انسان یا حیوان □ «نَحَرَ» گویند. (ابن فارس، ذیل ماده «نَحَرَ»؛ ابن منظور، ج 14، ص 68، ذیل  
ماده «نَحَرَ») □ «نَحَرَ الْمَعْبُودِ»، یعنی نیزه را در نحر شتر فرو کرد. (زمخشری، ص 622، ذیل ماده «نَحَرَ»)، که  
مقصود از آن قربانی کردن شتر می‌باشد. به این ترتیب معنای □ «وَانْحَر» در این آیه شریفه، به گفته برخی از مفسران،  
امر کردن به قربانی کردن شتر است. (طبری، ج 3، ص 312؛ طبرسی، ج 10، ص 837؛ قرطبی، ج 21، ص 218؛ طوسی،  
ج 10، ص 418؛ مجلسی، ج 16، صص 311-312)

خدا رسول از که متعددی احادیث در اما □ □ 6 و حضرت علی 7 و امام صادق 7 نقل شده است، واژه □ «وَانْحَر» در  
آیه ذیل به معنای بالا بردن دست -ها تا نزدیکی صورت به هنگام تکبیر الماحرام در نماز است. مثلاً امام صادق  
7

با بالا آوردن دو دست خود تا مقابل صورتشان، در حالی که رو به قبله بود، واژه □ «وَانْحَر» را برای شخصی که  
می‌پرسید، معنا کرد. (طبرسی، ج 10، ص 837؛ بحرانی، ج 10، ص 440) در روایت دیگری که حضرت علی  
7

از پیامبر  
6

نقل کرده، به بالا آوردن دست -ها تا نزدیکی صورت، برای تکبیر الماحرام در نماز سفارش شده است. (طبرسی، ج 10، ص  
837) در روایتی دیگر از امام باقر  
7

است شده تفسیر و معنا □ «داشتن نگه قبله به رو و راست را سینه و پشت و نماز هنگام به ایستادن در اعتدال» □ به □ «رَأَى وَو» □  
(کلینی، ج 3، ص 336؛ حرّ عاملی، ج 5، ص 489)

کاملاً معنایی که، شود - می‌تلقى آیه این در □ «رَأَى وَو» □ برای سوم معنای عنوان به روایت این اشاره مورد معنای □ □

دینی و اسلامی است. این معنای مورد اشاره حدیث در منابع کهن لغت واز زبان بعضی لغویان هم چون ابن اعرابی و فراء نیز نقل شده. ابن الماعرابی می‌گوید: «نحره» یعنی این که شخص به هنگام نماز راست بایستد. (ابن منظور، ج 14، ص 69، ذیل واژه «نحر») فراء می‌گوید: یعنی این که نحر و سینه خود را رو به قبله بدارد. (همان)

4-2. واژه «قتل» و «أحیا» در آیه (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ... وَ مَنْ أَحْيَاهَا) (مائده:32) به گمراه کردن یا هدایت افراد (بحرانی، ج 2، صص 438-440)؛ تعمیم «طعام» در آیه (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ آيَاتِنَا طَعَامِهِ) (عبس:24) به علم که غذای روح است (بحرانی، ج 8، صص 215-214)؛ تفسیر واژه «ماء معین» در آیه (إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ) (ملک:30) به غیبت امام (همان، ج 8، صص 81-82) که در روایات تفسیری از امامان معصوم: دیده می‌شود، نمونه‌ای از ایجاد و توسعه معنای جدید برای واژگان است.

#### 5. تعیین مصداق برای واژه

به است قرآن واژگان برای مصداق تعیین، واژگان معناشناسی حوزه در معصومین حدیث کاربردهای از دیگر یکی □ □ چند نمونه بنگرید:

5-1. در تفسیر آیه (غَرَّكَ الْمَغْضُوبِ عَلٰیهِمْ وَ لَ الْمُضَلِّينَ) (فاتحة الكتاب:7) از رسول خدا روایت شده است که فرمودند: منظور از (الْمَغْضُوبِ عَلٰیهِمْ) قوم یهود و مراد از (الْمُضَلِّينَ) مسیحیان می‌باشد. (سیوطی، ج 2، صص 1237-1238)

5-2. از ابن عباس روایت شده که «نزدیکان پیامبر» در آیه (قُلْ لَّأَسْأَلُكُمْ عَنْ عِلْمِهِ أَجْرًا إِلَّا الْإِيمَانُ وَدَّةً فِي الْقُرْبَى) (شوری:23) علی، فاطمه و دو پسر آنان هستند. (بحرانی، ج 6، ص 86)

5-3. اهل المیبت در آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب:33) علی، فاطمه، حسن، حسین: هستند. (همان، ج 6، ص 275؛ حاکم نیشابوری، ج 2، ص 416)

5-4. ذاللمقربی در آیه (وَأَمَّا ذَا الْقُرْبَىٰ فَأَوْلَىٰ) (اسراء:26) حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌باشد. (کلینی، ج 1، ص 543)

5-5. گاهی پیامبر 6 در تفسیر آیات، به بیان لفظی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه مطالب آیات را برای افراد مجسم می‌کند. مثلاً از ابن مسعود نقل شده است که: رسول خدا 6 خطی را برای ما ترسیم کرد و فرمود: این

راه خداست. پس در سمت راست و چپ آن خط، خط‌های دیگری را کشید و فرمود: این‌ها راه‌های متفرقی هستند که بر هر یک از آن‌ها شیطان‌هاست که انسان را به سوی آن دعوت می‌کند. سپس آیه را خواند: (وَأَنْ هَدَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبَعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ... (انعام: 153)  
(حاکم نیشابوری، ج 2، ص 318)

## نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم رسالت در طول کریم قرآن 6 بر ایشان نازل شد. با توجه به آن که بخش عمده‌ای از آیات نیازمند تفسیر بود، رسول اکرم پربرکت خودشان، با دلایل نقلی - اعم از آیات قرآن کریم و روایات و احادیث - و تحلیل عقلی فراوانی که موجود است، آیات قرآن را تفسیر و تبیین و در بعضی موارد به معناشناسی واژگان آنها می‌پرداختند. بنابراین یکی از منابع مهم معناشناسی واژه‌های قرآن کریم - برای تفسیر قرآن - احادیث و روایات معصومان است. در این پژوهش، این نتیجه حاصل شد که توجه به احادیث معصومین در معناشناسی واژه‌های قرآن تأثیر و نقش انکارناپذیری دارد. این روایات و احادیث در معناشناسی واژه‌های قرآن، چنان اهمیتی دارد که تفسیر قرآن بدون مراجعه به این روایات، به تفسیری نادرست یا ناقص از قرآن منتهی می‌شود. احادیث شریف در معناشناسی واژه‌های قرآن نقش‌های مختلفی می‌تواند ایفا کند. برخی از نقش‌های حدیث در این زمینه عبارت بودند از: عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، تعیین یکی از دو معنی واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه، و تعیین مصادیق برای واژه‌های قرآن.

## منابع

### قرآن کریم

1. ابن‌العربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
2. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم: موسسه النشر الاسلامیه، 1403 ق.
3. ابن فارس، ابوالحسن احمد، ترتیب مقایس الملغه، تحقیق و ترتیب علی عسکری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387 ش.

4. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیرالمقرآن العظیم، بیروت، دارالمکتب العلمیه، 1419ق.
5. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408ق.
6. اندلسی، ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، 1420ق.
7. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر المقرآن العظیم، بیروت، دارالمکتب العلمیه، 1415ق.
8. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالمقرآن، بیروت، موسسه الماعلمی للمطبوعات، 1416ق.
9. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل واسباب التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1418ق.
10. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی المصححین، بیروت، دار المعرفه، بی-تا.
11. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل المشیعه، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1414ق.
12. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی-تا.
13. رانج اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب المقرآن، بی-جا، دفتر نشر المکتب، 1404ق.
14. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، 1965م.
15. 1407ق، العربی دارالمکتب، بیروت، التنزیل غوامض حقائق عن افالمکش، \_\_\_\_\_، 15. □

16. سیوطی، جلال المدین، الماتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، 1407ق.
17. 1304ش، الممرتضی نشر، مشهد، خراسان [موسوی محمدباقر مصحح، الماحتجاج، علی احمدبن، طبرسی].
18. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع المبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الماعلمی للمطبوعات، 1415ق.
19. طبری، محمدبن جریر، جامع المبیان، بیروت، دارالمکتب العلمیه، 1420ق.
20. طوسی، خواجه نصیرالمدین، اساس الماقتباس، تحقیق مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1335ش.
21. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی-قا.
22. طیب حسینی، سیدمحمد، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1392ش.
23. عروسی حویزی، عبدالمعلی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، 1415ق.
24. فراهیدی، خلیل بن احمد، المعین، قم، انتشارات هجرت، 1410ق.
25. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، 1371ش.
26. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، 1364ش.

27. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالمکتب، 1367 ش.

28. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الماضواء، 1413 ق.

29. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.

30. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360 ش.

□ □

□

□

□